**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**تنبیه اول**

**توضیح فرمایش صاحب فصول**

**بررسی پاسخ شیخ به فرمایش صاحب اصول**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه هفتاد و یکم\_12 اسفند 1398**

دو اشکال تاکنون بر مرحوم صاحب فصول از زبان مرحوم شیخ داشتیم. اشکال اول این بود که معلوم نیست شارع طریق منحصری را برای رسیدن به احکام خودش نصب کرده باشد. اشکال دوم هم این بود که معلوم نیست که اگر هم ان طریق نصب شده باشد، در این زمان با گذشت این همه مشکلات و از بین رفتن قرائن، آن راه به دست ما رسیده باشد.

اشکال سوم؛ ما اگر علم اجمالی داشته باشیم به این که یکی از این امور طریق است و راه توسط شارع:

شهرت، اجماع، استقراء، اولویت ظنیه، خبر مورد اعتبار من الحسان و الموثقات که خود این اخبار هم به لحاظ درجات متعدد اند تا انجا که صحاح به معنای مختار عند صاحب المعانی و صاحب مدارک برسد صحیح اعلائی. امر ما دائر است بین اقل و اکثر استقلالی. غیر مرتبط. اما در چنین جایی چه باید کرد؟ ما مشاهده می کنیم هر کس که شهرت را معتبر می داند اجماع منقول را معتبر می داند. هر کس که شهرت و اجماع منقول را معتبر می داند، خبر حسان و موثقات را هم حجت می داند، کسانی که اخبار حسان و موثقات را حجت می دانند، صحیح اعلائی را هم حجت می دانند.

حال اگر ما علم اجمالی داشته باشیم به وجود یک طریق منصوب از شارع در چنین جایی، در این جا باید به ان چه معلوم محض است اکتفا کنیم و از بقیه­اش برائت جاری کنیم، برائتاً عقلیة و نقلیه.

ان توضیح متخذ از مطارح بود.

اما در رسائل قال الشیخ رحمه الله:

و ثالثا: سلمنا نصب الطریق و وجوده فی جملة ما بأیدینا من الطرق الظنیة،

از اشکال دوم هم چشم پوشی می کنم می گویم یک طریق ظنی در بین این طرق ظنیه یک طریقی را شارع مقدس جعل کرده است. چیست ان طرق ظنیه؟

من أقسام الخبر و الاجماع المنقول و الشهره و ظهور الاجماع و الاستقراء و الاولویة الظنیة،

بین این ها یکی را جعل کرده است اما کدام است نمی دانم. چون نمی دانم

إلا أن اللازم من ذلک هو الاخذ بما هو المتیقن من هذه

در چنین جایی باید به قدر متیقن اکتفا کرد.

فإن وفی بغالب الاحکام اقتصر علیه(اگر آن قدر متیقن وافی به غالب احکام بود به همان اکتفا می کنیم) و إلا (اگر وافی به غالب احکام نبود) فالمتیقن من الباقی. مثلا، الخبر الصحیح و الاجماع المنقول متیقن بالنسبة إلی الشهرة و ما بعدها من الامارات، إذ لم یقل أحد بحجیة الشهرة و ما بعدها دون الخبر الصحیح و الاجماع المنقول.

کسی بگوید شهرت حجت است، استقراء حجت است، اما خبر صحیح حجت نیست، اما اجماع منقول حجت نیست ما چنین کسی را نداریم. حال که چنین است:

فلا معنی لتعیین الطریق بالظن بعد وجود القدر المتیقن و وجوب الرجوع فی المشکوک إلی أصالة حرمة العمل.

معنا ندارد که مثل صاحب فصول بگوییم یک طریق ظنی را و لو شارع ردعی صراحتا از آن نکرده است، آن را قبول می کنیم و در بقیه­اش اصل حرمت عمل به ظن را پیاده می کنیم. چرا معنا ندارد؟ چون قدر متیقن داریم.

نعم لو احتیج إلی العمل بإحدی أمارتین

اگر ما مجبور شدیم که به یکی از دو اماره عمل کنیم.

و احتمل نصب کل منهما، این چنین جایی صح تعیینه بالظن بعد الاغماض عما سیجئ من الجواب.

خلاصه اشکال سوم جناب شیخ انصاری اعلی الله مقامه این شد که آن نتیجه نهایی که صاحب فصول گرفت این بود که ما باید در چنین جایی به ان ظن فعلی که لا دلیل علی عدم حجیته و اقرب به علم است و اقرب به اصابه واقع است عمل کنیم نه به ظنون دیگر. ما از دو اشکال قبلی هم اگر صرف نظر کنیم می گوییم وقتی در بین این راه ها یک طوری است که اگر کسی راه الف را قبول کرد ان راه باء را قبول کرده است اگر راه باء را قبول کرد راه جیم را هم قبول کرده است و اگر راه جیم را قبول کرد راه دال را هم قبول کرده است. باید اکتفا کنیم به همان راه دال نه به این طریق ظنون دیگر و این ظنونی که در این قسمت قرار گرفته است هیچ کدام مرجعیتی برای ما ندارد مگر در جایی که امر ما مردد بین عمل به یکی از دو اماره باشد و احتمال بدهیم که شارع هر دو اماره را نصب کرده است با غمض عین از اشکال آینده می توانیم آن راه را با یکی از ظنون مشخص کنیم.

این هم اشکال سوم مرحوم شیخ انصاری بر جناب صاحب فصول.

قال الشیخ: و رابعا لو سلمنا عدم وجود القدر المتیقن، لکن اللازم من ذلک وجوب الاحتیاط، لانه مقدم علی العمل بالظن، لما عرفت من تقدیم الامتثال العلمی علی الظنی، اللهم إلا أن یدل دلیل علی عدم وجوبه (احتیاط) و هو فی المقام مفقود.

از همۀ ان چه که گفتیم چشم پوشی می کنیم. جناب صاحب فصول چرا شما نتیجه مقدمات انسداد را حجیت ظن در مسائل اصولیه گرفتید در حالی که عمل کردن بر طبق ظن امثال ظنی می آورد و امتثال علمی مقدم علی امتثال الظنی.

ما قبلا این مطلب را صراحتا بیان کرده بودیم. ما در چنین جایی باید بر طبق احتیاط عمل کنیم. سلمنا که قدر متیقن نداریم ولی لازمه چنین جایی که قدر متیقن نیست، حجیت طریق ظنیه نیست. بلکه باید به احتیاط مراجعه کرد چون احتیاط مقدم است از عمل به ظنون. چون قبلا دانستیم که امتثال بر خواسته از احتیاط امتثال علمی است و امتثال بر خواسته از ظنون امتثال ظنی است و الامتثال العلمی مقدم علی الامتثال الظنی مگر این که جایی دلیل داشته باشیم بر این که احتیاط لازم نیست و الا مرجع احتیاط است.

هذا و للکلام تتمة ان شاء الله در جلسه آینده.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.